

درخواست ایرانیان از کنگره آمریکا

برای تایید توافق جامع

امیرفیض - حقوقدان

بطوریکه استحضار دارید عده ای از ایرانیان خارج از کشور و شاید هم داخل کشور ضمن نامه ای از کنگره آمریکا درخواست کرده اند که توافق جامع را تایید کنند.

بندرت ممکن است عده ای کم آنهم درخفا از مداخله یک کشور خارجی در امور کشورشان حمایت کنند زیرا قبح آن، مانع آشکاری و سبب نفرت عمومی است. معلوم است که متأسفانه این قبح در این سالها بکل برای ایرانیان از بین رفته و آنهم تاحدی که نوعی برازندگی محسوب میشود، ولی اقدام اخیر چند تنی از آنان مبنی بر درخواست از کنگره آمریکا برای تایید توافق جامع دیگر از آن کارهای بسیار، بسیار، بیسابقه و اثرگذار تاریخی است.

یادمان هست که بخشی از همین ایرانیان که به وابستگی آمریکا شهرت دارند ولی عنوان رسانه ای آنان سربازان آمریکا و اسرائیل در جبهه سبز هستند، کسانی هستند که بانی تحریم های آمریکا علیه مردم ایران شدند و آقای باراک اوباما هم گفت: «تحریم های علیه ایران بنابر درخواست ایرانیان آزادیخواه بوده است» ولی تفاوت درخواست تحریم ها با تایید توافق جامع در این است که تحریم ها یک امر موقتی، تحمیلی و فقط اقتصادی است ولی درخواست تایید توافق جامع یک سلطه و اقتدار قراردادی آمریکا بر ایران برای مدتی نامحدود که اسما ۲۵ سال ولی بنا بر اظهارات خانم شرمن ابدی است میباشد.

روزنامه جرزالم پست اسرائیل نوشت یک مقام بلند پایه آمریکا به آن روزنامه گفته است: «راستی آزمائی از ایران مسائل و بازرسی هائی خواهد داشت که میتواند نامحدود باشد».

توافق جامع و دخالت در امور ایران

ایکاش توافق جامع در حد یک دخالت بود زیرا دخالت متوجه موضوعی روشن است و لاجرم اول و آخر و زمان دارد و امر دخالت، مورد حمایت منشور سازمان ملل نیست و نگاه مظلومیت به کشور مورد دخالت دارد ولی توافق جامع خاصه در فصل راستی آزمائی دخالت قراردادی است که در موضوعات و اعمال نامعلوم و نامحدود حداقل تا ۲۵ سال به آمریکائی ها حق نظارت و دخالت در رابطه با نظارت راستی آزمائی داده است.

(نظارت مقدمه دخالت است؛ نظارت بدون دخالت ممکن نیست، نظارت مامور ناظر از عمل خلاف تکلیف آور میشود که همین تکلیف جواز دخالت است؛ نظارت انسان با دوربین های مدار بسته فرق دارد نظارت انسان سبب تکلیف میشود و حد آن اگر باقانون تعیین نشده باشد با وجدان انسان و عرف مشخص میشود)

ایرانیان مزبور که بهتر است گفته شود آمریکایی های سابقا ایرانی خواسته اند که با تانید کنگره. حق نظارت نامحدود و نامعلوم آمریکا بصورت قانونی درآید که دولتهای آینده آمریکا و ایران متعهد به رعایت این سیره بندگی ایران باشند. مبارکشان مباد این نادانی و یا نوکری مفتضحانه بیگانگان در اسارت ایران.

تصدیق ایرانیان علیه کشورشان

قطعهنامه آن حضرات مبنی بر درخواست از کنگره آمریکا، تصدیق جهانی است که ایرانیان دروغگو و دور و غیرقابل اعتماد هستند و عمل راستی آزمائی را حق مسلم یک بیگانه بر ملت ایران میدانند، آنها نه تنها نسبت به مردم امروز ایران چنین قضاوت غیرمنصفانه و بیگانه پرستانه ای دارند بلکه حساب نسلهای آینده ایران را از هم اکنون رسیده اند و آنان را به مردم جهان کذاب و نادرست و بی غیرت و نامرد و امثال آنها معرفی کرده اند، و معنای این ندانمکاری در حقوق بین الملل این است که از این پس حق راستی آزمائی برای هر کشوری که میخواهد با ایران قراردادی داشته باشد مشخص و مسلم است (حق کامل الوداد).

در جامعه جهانی مانند جوامع حقوقی همه چیز بر اعتماد، متصل است وقتی کشوری بی اعتماد بود و این بی اعتمادی بصورت عهدنامه بین المللی با ضریب اطمینان ۲۵ ساله و بقول خاتم شرمین ابدی همراه خواهد بود، آن ملت دیگر ملت شناخته نمیشود. ملتی که بی اعتماد بود فرهنگش، تاریخش و هر آنچه که از ارکان یک ملت است قلبی، دغکاری، فریب و باریافته از بی اعتمادی است که در راس آن، بی وفائی به قول و قرار و رفتارهای آشنای بین المللی است و اساسا همین توافق جامع با شرط راستی آزمائی ملت ایران را محروم از عضویت سازمان ملل میکند.

فلان به شقیقه جکار دارد؟

مانده ام، در انتظار آمریکا و سروری آن کشور بودن چه ارتباطی به تخریب و تحقیر ملت ایران و تصدیق دادن به نادرسی و رد و غیر اعتماد بودن آن ملت به کشورها و مراجع بین المللی دارد. چرا باید عده ای نوکرسفت بیگانه قلم بطلان برسجیه های اخلاقی و فرهنگی ایرانیان بکشند. برای رضایت اربابشان؟

همین حرکات ناشایست این حضرات کافی است برای اعلام رضایت و دعوت از آمریکا برای مداخله در

امور ایران. کافی است دیگر به این حرکات نوکرسفتانه و آلت دست عوامل دولت آمریکا شدن چه نیازی است؟ آیا بین آنان کسی نیست که ننگ این خیانت و عمل خلاف معمول را درک میکرد؟ آیا هنگام امضای آن ورقه لعنتی یادتان بود که مبلغ ۱۸۰ میلیارد دلار دارائی های بلوکه شده (بدون محاسبه بهره آن) یکدفعه به ۵۰ میلیارد تقلیل داده شد؟ (اظهارات باراک اوباما) تازه همین مبلغ نادرست هم بعد از توافق جامع آزاد نخواهد شد؟ (خاتم شرمین).

یادتان هست که آمریکا برای پرده پوشی از تحمیل تحریم ها به مردم ایران درخواست ایرانیان خارج از کشور را مستند ساخت؟ فردا هم همین درخواست امروز این افراد مقیم خارج را برای تانید توافق جامع دلیل تسلط آمریکا بر ایران عنوان خواهد کرد و میگویند دولت روحانی، وزیر امور خارجه و مردم کوچ و

خیابان با شادی های نمایشی و ایرانیان خارج از کشور با امضای قطعنامه از کنگره خواستند که توافق جامع را تایید کنند.

کاری که سیاست میگردند که نکردند

این حضرات در موقعیتی بودند که آن موقعیت ممکن میساخت تا بجای این درخواست ناموزون و دشمنانه با ایران و ملت ایران بعنوان شهروندان آمریکائی و ایرانی از کنگره خواستار میشدید که اعلام عدم اعتماد سران جمهوری اسلامی به آمریکا بارزه فکری کسانی است که حاکمیت ملت ایران را غصب کرده اند، از افکار کسانی است که اساسا قائل به وجود ایران نیستند. با همه غیرمسلمانان در حال جنگ وجداند. فرهنگ و تاریخ ایرانیان غیر اینها که جمهوری اسلامی میگوید گفته است، گویای سبیه های انسانی و اخلاقی والای ایرانیان است، نه ملاحای منفور از نسل اعراب ستمگرو غارت گر.

آنان میتوانند از آن فرصت رجوع به مقامات آمریکائی استفاده کنند و از کنگره بخواهند در توافق جامع آنچه که منافات با شرائط معقول و معمول بین المللی دارد و موجب حقارت ملت و دخالت خارجیان در امور ایران میباشد که مسلما مورد تائید ملت ایران نخواهد بود در توافق جامع تجدید نظر شود، این تجدید نظر، خیرخواهی برای آمریکا هم هست مگر دنیا و مردم ایران اجازه خواهند داد که آمریکا بعنوان وبهانه راستی آزمائی ۲۵ سال ویا سالها آقا بالا سر ایرانیان باشد.

متقاضیان از کنگره آمریکا آیا میتوانند یک کشور هرچند عقب افتاده حتی از کشورهای سابق تحت قیمومت سازمان ملل نشان بدهند که کشور ثالثی حق راستی آزمائی نزدیک به توافق جامع راداشته باشد؟

پس چرا چنین در خواست ذلت و خواری را برای ایران کرده اید و میخ مداخله آمریکا را برای مدت نا محدود به حاکمیت ملت کوبیده اید؟

یکی از خواست های سیاسی این حضرات رسیدن به حق حاکمیت است. آیا حق حاکمیت را میخواهید که از راه این کثافتکاری ها بکنید؟ اکنون که در خارج از کشور مزاحمتی برای حق حاکمیت شما نیست، از حق حاکمیت اینجوری استفاده میکنید، وای بروزی که به حق حاکمیت برسید.

توافق یکطرفه

آقای کری وزیر خارجه آمریکا در کمیسیون روابط خارجی سنا درباره علت عدم ارسال توافق جامع به کنگره گفت:

«ما از ابتدا به صراحت بیان کردیم که در مورد برنامه ای که از لحاظ حقوقی برای آمریکا الزام آوراست مذاکره نمیکنیم. مادر مورد برنامه هائی مذاکره میکنیم که قابلیت اجرائی شدن را توسط ایران داشته باشد»

ملاحظه میکنید ماهیت درخواست آقایان از کنگره آمریکا قانونی کردن الزاماتی است که آمریکا بعنوان توافق جامع تحمیل ملت ایران کرده است بدون اینکه آمریکا حتی یک امتیاز به مردم ایران داده باشد. شما این عمل آمریکا را یک توافق حقوقی مینامید؛ که برای تصویب و تائید آن دست به دامان کنگره

آمریکا شده اید؟ اساساً در توافق جامع که آمریکا تعهدی ندارد کنگره چکاره است که این حضرات به کنگره آمریکا رجوع کرده اند؟

آقای بایدن گفته است: «ما توافق جامع را بر اثرا اعتماد متقابل امضا نکرده ایم در میدان خشونت و عدم اعتماد امضا کرده ایم»

آیا چنین سندی میتواند از نظر حقوقی معتبر باشد؟ و حالت کره و اجبار ناشی از فشار تحریم ها اجازه میدهد که ذره ای سلامت و درستی در آن ملاحظه کرد؟

آقای اوباما گفته است: تحریم ها سبب کشیدن ایران به میز مذاکره شده است (اضافه کنید و تهدید های مکرر جنگی) این زمینه ها علیل کننده و بی اعتبار ساز اثرات حقوقی توافق جامع و از اسباب مسلم سرشکستگی برای ایرانیان است. آیا این امر، چیزی است که درکش برای حضرات دشوار است؟

بهبانه تحریم ها

میدانم بهانه آقایان رفع تحریم ها از مردم است یعنی همان تحریم هائی که آقایان از نادانی و یا تقرب به آمریکا رهنمون آمریکا شدند. ولی شما هم که میدانید تنها ده درصد تحریم های علیه ایران مربوط به قطعه نامه های شورای امنیت است و ۹۰ درصد تحریم ها که سنگینی و فشار آن متوجه اقتصاد ایران و مردم ایران است متوجه تحریم های کنگره است که توافق جامع بهیچوجه شامل آن نمیشود؛ و تازه همان ده درصد هم فقط صحبتش هست، آنها هم با تحقق شرائط و گزارشات تائیدی بسیار که داستان هفت خوان رستم را بیاد میآورد و حتی با خیال هم تحقق آنرا نمیشود ممکن ساخت.

همین روزها آژانس اتمی ادعا کرده که در پارچین فعالیت ساختمانی است. متأسفانه طبق توافق جامع، ایران است که باید ثابت کند که فعالیت ساختمانی نیست و اگر هست به ادعای جمهوری اسلامی راه سازی است.

همین مسئله بنظر ساده دلیلی است که غرب همان تحریم مختصر و عده داده شده را هم تعلیق نمیکند. کجای این جریان گشایش وضع اقتصادی مردم است؟ وضع نامساعد اقتصادی کشور ناشی از مدیریت جمهوری اسلامی است که تحریم ها هم یکی از آثار همان مدیریت است.

قاعده راستی آزمائی

هیچ ضابطه مدون و معمولی برای راستی آزمائی کشورها نیست، در قدیم سوگند و در سالهای کنونی دی-ان - ای جوابگوی راستی آزمائی شناخته شده. در صورتی که شاخص های مزبور در توافق طرفین در مورد راستی آزمائی پیش بینی نشده باشد، بهر کیفیت که راستی آزما تشخیص بدهد حق دارد از آن طریق و وسیله برای رسیدن به راستی آزمائی استفاده کند و این مطلب بدیع و حیرت آور کاملاً در توافق ژنو پیاده شده است.

خوب اگر آمریکا و مامورین راستی آزمائی آن کشور و یا آژانس اتمی تشخیص دهند که برای اطمینان از مخفی نکردن فورمولهای حساس فعالیت هسته ای لازم است تنگه زنان ایرانی کارمندان فعالیت های هسته ای ایران و یا غیره هم باز بینی شود، حق مسلم کسی است که ماموریت راستی آزمائی را دارد.

به بنیاد رئیس موسسه علم و امنیت آمریکا چه میگوید:

«آمریکا تصدیق کرده است که ترتیبات راستی آزمائی کنونی در ایران پس از موافقت جامع حتی اگر با پروتکل الحاقی تکمیل شود در مورد جمهوری اسلامی کافی نخواهد بود. به سابقه ایران و طفره رفتن ها و پنهان کاری ها مستلزم ترتیبات فوق العاده ای است»

(دیویدالبرت رئیس موسسه علم و امنیت آمریکا)

مستلزم ترتیبات فوق العاده، یعنی هراقدامی که بنظر آمریکا برای رسیدن به راستی آزمائی لازم است و هیچ محدودیتی بر آن متصور نیست شامل راستی آزمائی میگردد.